روایت روزهای مبارزه

حضـرت آیت‌الله‌العظمی خامنـه‌ای که از ابتدای شروع نهضت انقلاب اسلامی ایران در دوران طاغوت، در عرصه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی حضوری پررنگ داشته‌اند، انبوهی از خاطرات مستقیم از رویدادهای این دوره تاریخی را ثبت کرده‌اند و در بازه‌های زمانی مختلف و فرصت‌های مقتضی بازگو کرده‌اند.

بخش درس و عبرت رسانه KHAMENEI.IR به مناسبت فرارسیدن ایام دهه فجر و بزرگداشت چهل و پنجمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ایران به انتشار برخی از خاطرات رهبر انقلاب در دوران مبارزات علیه رژیم ستم‌شاهی پرداخته است.

در خرداد ماه ۱۳۴۲ هجری شمسی(محرم ۱۳۸۳ هجری قمری) که کشتار بزرگ تهران و برخی شهرهای دیگر اتّفاق افتاده بود و صدها تن از مردم به قتل رسیده بودند، من در بیرجند بودم. رفتن من به آن شهر و در آن هنگام، با هدف افشاگری و رسواسازی رژیم حاکم، به‌ویژه هتک حرمت علما و روحانیّون در مدرسه فیضیّه قم و نیز به قصد افشای برنامه‌هایی که رژیم برای نابود کردن هویّت اسلامی ملّت مسلمان ایران طراحی کرده بود، صورت گرفت.

من شهر بیرجند را از این جهت انتخاب کردم که این شـهر دژ «امیر اسـدالله عَلَم» بود. او ظاهراً پست وزارت دربار را داشـت، امّـا در واقع جایگاهش خیلی از این مقام بالاتر بود. او یکی از رجال قدرتمند کشـور بود و در جلد دوّم خاطرات «فردوست» جایگاه عَلَم در ایران بیان شده است.

من در بیرجند دوسـتانی داشتم که طیّ دو سفر قبلی با آن‌ها آشـنایی یافته بودم. روز سـوّم محرّم به بیرجند رسیدم. روز هفتم محرّم فرا رسید؛ و این همان روز موعودی بود که امام خمینی(ره) توصیه کرده بود سـخنران‌ها افشاگری علیه رژیم شاه را آغاز کنند. روز هفتم مصادف با جمعه بود.

در این اجتماع انبوه همه چیز را گفتم. تا روز تاسوعا که دستگیر شدم این سخنرانی‌ها را ادامه دادم. تا ظهر روز عاشورا در پاسگاه پلیس ماندم. نمی‌دانستم که بیرون بازداشتگاه چه می‌گذرد. بعداً مطّلع شدم که اوضاع در سراسر ایران آبستن حوادث بزرگی است. چنان‌که بعداً آیت‌الله تهامی ـ که شخصیّت برجسته علمای بیرجند که فقیه و ادیب و خطیب و شـجاع بود ـ برایم تعریف کرد، در همان بیرجند نیز هنگام دستگیری من اوضاع انفجارآمیز بوده. ظاهراً مقامات هم متوجّه این مطلب شده بودند و ترسیده بودند آن قیام‌های خروشان مردمی که در تهران و دیگر شـهرهای ایران اتّفاق افتاده، در بیرجند هم اتّفاق بیفتد. برای همین، در شورای تامین شهر، جلسه فوق‌العاده تشـکیل داده بودند. این شورا صلاحیّت صدور حکم تبعید را داشت؛ لذا حکمی مبنی بر تبعید من به شـهر مشهد (شهر خودم!) صادر کرد. ظاهراً مقامات خواسته بودند پیش از تبعید من، خشم مردم را فرو بنشـانند؛ لذا مرا آزاد کردند و با من شرط کردنـد که منبر نروم. مردم بیرجند به من به چشـم همدلی و محبّت می‌نگریستند، و من خوشحال بودم که میدیدم مردم این شهر - علی‌رغم ترس از قدرت عَلَم- با مبلّغان اسلام یک چنین همبستگی عاطفی دارند.

بازجوی ساواک دوست دوران کودکی‌ام بود

در سـال ۱۳۴۲ شمسـی برای تبلیغ در ایام ماه رمضان در اواخر زمسـتان به زاهـدان رفتم که دوباره بازداشت شدم. بعد از بازجویی مرا بیرون بردند و سوار ماشـین کردند و به خارج از شهر بردند. هوا تاریک و بسـیار سرد بود. فهمیدم جایی که مرا برده‌اند پادگان نظامی است. مرا در بازداشتگاه نگهبانی انداختند. این میهمان جدید برای سربازان غیرمنتظره بود. سربازان از جای خود برخاستند و دور مرا گرفتند و با احترام به من سـلام دادند. فرمانده سربازان وقتی آن رفتار را از افراد خود دید سـریعاً مرا به مکانی انفرادی برد. صبح زود به مقر سـاواک منتقل شدم. در طی این مدت از من بازجویی شـد که چند ساعت طول کشید. تعجب کردم وقتی دیدم که بازپرس از دوستان دوران کودکی من اسـت و من در بازی‌هـای کودکانه او و برادرانش شرکت می‌کردم. پدر و برخی برادرانش از علما و سادات بودند. عصر بود کـه مرا به فرودگاه آوردند و به همراه دو مامور در هواپیما نشاندند. بعداً متوجه شدم که عازم تهران هستیم. این نخستین سفر من با هواپیما بود. در هواپیما به مسائل مختلفی می‌اندیشیدم. به آیندهٔ این نهضت اسلامی که برپا شده... به برپاکنندهٔ نهضت امام خمینی... بـه آینده‌ای که در انتظار من بود. از فکر به این امور که جز خدای متعال کسـی از عاقبت آن آگاه نیست منصرف شدم، مجله‌ای برداشتم و به ورق زدن آن پرداختم. چشمم به غزلی افتاد که از آن خوشم آمد.

من عادت داشتم که هر شعری را می‌پسندیدم در دفتر خاصی که «سفینه غزل» نامیده بودم، می‌نوشتم. دیدم دو مامور همراه من از دو طرف گردن می‌کشند تا ببینند من چه می‌نویسم. وقتی شعر را نوشتم ذیل آن ایـن عبارات را هم افزودم: «این ابیات را در هواپیمایی کـه مرا به همراهی دو مامور خوش‌اخلاق از زاهدان به جای نامعلومی می‌برد، نوشتم!» این عبارت اثر مثبتی بر هر دوی آن‌ها گذاشت.

بعد از زندان به دیدار امام رفتم

اواخر سـال ۴۲ برای تبلیغ ماه رمضان به زاهدان رفتـم که بازداشـت و به تهران منتقل شـدم. بعد از بازداشت وقتی از زندان خارج شدم شور و شوق دلم را فرا گرفت و گفتم من هم توکل به خدا کنم و به محل اقامت امام بروم شاید به من هم اجازه ملاقات بدهند. آدرس را به دست آوردم و به قیطریه رفتم. قیطریه در آن زمان منطقه‌ای خالی از ساختمان بود و تک‌وتوک خانه‌هایی در آن دیده می‌شد. من به خانه امام نزدیک شدم. نگهبانان تمام اطراف خانه را گرفته بودند.

به یکی از آن‌ها گفتـم من تازه از زندان آمده‌ام و می‌خواهم مانند سایر زندانیان با آقا ملاقات کنم. آن‌ها با یکدیگر اختلاف‌نظر پیدا کردند. بالاخره توافق کردند که به من اجازه دهند فقط برای چند دقیقه وارد شوم. در زدم. حاج آقا مصطفی - فرزند امام - در را باز کرد و از دیدن من دچار شگفتی شد. از من پرسید: کِی آزاد شدید؟ گفتم: دو روز پیش! وارد یکی از اتاق‌ها شدم و آقا را در برابر خود یافتم. احساساتی که در دلم محبوس مانده بود غلیان کرد. عواطفم در برابر امام سرریز شد. برای آقا وضع امت و دوسـتان را در غیاب ایشان بیان کردم و اظهار داشـتم که موسم رمضان امسال بدون بازده به هدر رفت و لذا باید از هم‌اکنون برای موسـم محرّم برنامه‌ریزی کنیم.

پسرم مرا نشناخت!

در سـال ۱۳۴۶ مجددا توسط ساواک بازداشت و زندانی شدم. یک روز پسرم مصطفی را که دو ساله بود به زندان آوردند. یکی از سربازان دوان‌دوان آمد و گفت پسر شـما را آورده‌اند. به درِ زندان نگاه انداختم دیدم یکی از افسـران، مصطفی را بغل گرفته و به سوی من می‌آید. مصطفی را گرفتم و بوسـیدم. کودک به‌علت اینکه مدتی طولانی از او دور بودم، مرا نشناخت؛ لذا با چهره‌ای گرفته و اخم‌کرده به من نگریست. سپس زد زیرگریه. به‌شدت می‌گریست. نتوانستم او را آرام کنم. لذا او را دوباره به افسـر دادم تا به همسرم و بقیه - که اجازهٔ دیدار با من را نداشـتند - بازگرداند. این امر به قدری مرا متاثّر ساخت که تا چند روز بعد نیز همچنان دل‌آزرده بودم.

مبارزه و همراهی همسر

بـا آن‌که خانه ما بارها مورد یورش دژخیمان واقع شـد، و با آن‌که من بارها در برابر او بازداشـت شدم، و حتّی در نیمه‌شـب که برای دستگیری من به خانه ما ریختند، مورد ضرب و جرح واقع شـدم، علی‌رغم همه این‌ها، من هیچ‌گاه ترسی یا ضعفی یا افسردگی و ملالتی در همسرم مشاهده نکردم. با روحیّه‌ای عالی و قوی در زنـدان به ملاقات من می‌آمد. در این ملاقات‌ها، به من اعتماد و اطمینان می‌داد. هرگز نشد وقتی من در زندان بودم، خبر ناراحت‌کننده‌ای به من بدهد. به یاد ندارم که مثلاً خبر بیماری یکی از فرزندان را به من داده باشـد؛ یا مطلبی را که برایم ناخوشایند باشد، درباره خانواده و بسـتگان و والدین گفته باشد. همچنین باید به صبر و شکیبایی فراوان او در تحمّل سختی و مشقّت زندگی در دوران پیش از انقلاب، و اصرار او بر ساده‌زیستی در دوران پس از انقلاب اسلامی اشاره کنم.

رفتار عجیب یک دوست نزدیک

[در یکی از موارد بعد از آزادی از بازداشت ساواک] پس از بازگشت به منزل برای تشرف به زیارت حضرت رضا(علیه‌السـلام) و نماز در مسجد گوهرشاد به حرم رفتـم. دیروقت بود و صحن تقریبا خالی بود. از دور دو تن از دوستان و هم‌درس‌های خود را دیدم که با یکی از آن‌ها علقه خاصی دارم. از این تصادف بسیار خوشحال شدم زیرا انتظار نداشتم کسی را در آنجا ببینم. با شوق دیـدار چهره‌هایی که زندان، میان مـن و آنها فاصله انداخته بود به سوی آن دو رفتم. انتظار داشتم آنها هم به محض دیدن من به سویم بیایند و بعد از این مدت جدایی از دیدار من خوشحال شوند. به طرف آن‌ها رفتم و نزدیکشـان رسیدم. می‌خواستم سلام کنم که دیدم از من رو می‌گردانند. گویی یکی از آن دو به دیگری گفته بود او اکنون از زندان خارج شـده و شاید تحت نظر است پس از او دوری کنیم! این برخورد سخت مرا متاثر کرد. من این‌گونه برخوردها را از برخی روحانیون فراوان دیده‌ام در حالی که به‌عکس آن‌ها، جوانان اعم از طلاب علوم دینی و دانشجویان دانشگاه در مواقعی که به زندان می‌افتادم بیشتر دور مرا می‌گرفتند.

شکنجه‌گری که زندانی شد!

پنج شش ماه پس از پیروزی انقلاب، طیّ ماموریتی از تهران به شهر خودم مشهد آمدم. در آن هنگام عضو شورای انقلاب و نماینده شورای انقلاب در وزارت دفاع و نماینده امام در تعدادی از سـازمان‌های کشور بودم. مقامات مشهد از من خواستند تا از ساختمان «کمیته مرکزی انقلاب» بازدید کنم. کمیته‌های انقلاب در آن زمان اداره بیشتر امور شهرهای ایران را بر عهده داشتند. ساختمان «حزبِ رستاخیز» در مشهد برای این منظور انتخاب شـده بود. به من گفتنـد: آخرین طبقه این ساختمان در حال حاضر مخصوص زندانیان خطرناک است. اسـامی آن‌ها را ذکر کردند و من بیشترشان را می‌شناختم. (یکی‌شان) از شکنجه‌گران من در پنجمین زندان بود و من از گستاخی‌ها و وقاحتش در آن زمان خیلی چیزها به یاد داشتم.

تو یوسف می‌شوی!

در یـاد من خواب‌های عجیبـی مانده. یکی به گمانم مربوط به سـال ۱۳۴۶ یا ۱۳۴۷ باشد. در آن زمان وضع سیاسی مشهد در نهایت شدت و سختی بود و اسـلام‌گرایان دچار گرفتاری و محنت زیادی بودنـد. چنان‌که جز چند تن از رفقا با من در میدان باقی نماندند و بقیه ترجیـح دادند عرصه مبارزه را رهـا کنند. در آن شـرایط، خواب دیدم که حضرت امام خمینی(ره) وفات کرده و جنازه ایشان در یکی از خانه‌های مشـهد واقـع در نزدیکی خانه پدر من روی زمین اسـت. غم و اندوه وجـودم را فرا گرفته بود. تابـوت را روی دوش گرفتیم. جمعیت انبوهی هـم در پی جنازه به حرکـت در آمدند که در میان آن‌ها شـمار بسیاری از علما بودند و من هم با آن‌ها حرکت می‌کردم.

با صدای بلند می‌گریسـتم و از شدت تالّم و تاثّر با دسـت روی زانوی خود می‌زدم. چیزی که بر درد من می‌افـزود این بود که می‌دیدم برخی علما بدون اینکه توجهی بکنند و عبرتی بگیرند و بی‌آنکه احساس اندوهی در آنها مشاهده شود با هم صحبت می‌کنند و می‌خندند! جنازه به آخر شـهر رسـید. بیشتر تشـییع‌کنندگان بازگشتند اما جنازه راه خود را در بیرون از شهر ادامه داد. بیست سی تشییع‌کننده همچنان در پی جنازه حرکت می‌کردند. بیشتر تشییع‌کنندگان در پایین تپه ماندند. جنازه به همراه چهار پنج تشییع‌کننده به سمت بالای تپه رفت که من هم با آن‌ها به دنبال جنازه بودم. تابوت را بالای تپه قرار دادیم. من به پایین پا نزدیک شدم تا درحالی که چهره حضرت امام را می‌بینم، با او وداع کنم.

ناگهان دیدم دست راست ایشان که انگشت سبابه آن به حالت اشـاره بود به سمت بالا حرکت می‌کند تا اینکه انگشت اشاره‌اش به پیشانی من رسید و آن لمس کرد یا نزدیک بود لمس کند. با شگفتی و حیرت نگاه می‌کردم. لب‌هایش را گشـود و دو بار گفت: تو یوسف می‌شـوی... تو یوسف می‌شـوی! خوابم را برای خیلی از بستگان و دوسـتان نقل کردم از جمله برای مادرم (رحمهٌاللهعلیها) که فـوراً آن را چنین تعبیر کرد: بله یوسـف خواهی شد به این معنی که همواره در زندان خواهی بود!

عضویت در شورای انقلاب چهار ماه بعد از تبعید

[مهر ۱۳۵۷] در یزد بودم که شنیدم امام به پاریس عزیمـت کرده‌اند. از یزد با هواپیما به تهران و از آن‌جا به مشهد رفتم. در مشهد ماندم و مشغول فعالیت‌های انقلابی بودم تا اینکه به فرمان امام راحل برای حضور در شورای انقلاب به تهران فراخوانده شدم. روز ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ انقلاب به پیروزی رسید. در اواسط سال ۱۳۶۰ به ریاسـت جمهوری انتخاب شدم. فاصله میان آزادی من از تبعید تا عضویت در شورای انقلاب حدود چهار مـاه بود. همچنان‌که بین آزادی و انتخاب به ریاسـت جمهوری، سه سال فاصله شد.

خوابیم یا بیدار؟!

در آن روزها ما در یک حالت بُهت بودیم. در حالی که در همه فعالیت‌های آن روزها ما طبعاً داخل بودیم. همان‌طور که می‌دانید ما عضو شورای انقلاب بودیم و یک حضور دائمی تقریباً وجود داشت. لکن یک حالت ناباوری و بهت بر همه مـا حاکم بود. من یک چیزی بگویم که شاید شما تعجب بکنید.

من تا مدتی بعد از ۲۲ بهمن هم که گذشـته بود بارها به این فکر می‌افتادم که ما خوابیم یا بیدار. و تلاش می‌کردم که از خواب بیدار شوم. یعنی اگر خواب هستم، این رویای طلایی که بعدش لابد اگر آدم بیدار شود هر چه قدر خواهد بود خیلی ادامه پیدا نکند، این‌قدر برای ما شگفت‌آور بود مسئله.

حاشیه‌نگاری نمایشگاه توانمندی‌های ساخت داخل

شگفتی بخش خصوصی از نقدها و نظرات موشکافانه رهبری

برگزاری نمایشـگاه توانمندی‌های تولیدات داخل و بازدید ۴ساعته مقام معظم رهبری از این نمایشگاه، حاوی نکات ارزشـمندی بود که در حاشـیه‌نگاری و گزارش تسنیم، به گزیده‌ای از آن پرداخته شده است.

در روزهای اخیر، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب اسـلامی بازدیدی ۴ساعته از نمایشگاه توانمندی‌های تولیدات داخل در محل حسـینیه امام خمینی(ره) داشتند.

در این نمایشـگاه، دستاوردها و اقدامات متعددی که بیشتر جنبه‌های اجتماعی و اقتصادی داشت، ارائه شـده بود که طبق گفته غرفـه‌داران و ارائه‌کنندگان، رهبر معظم انقلاب با سـعه‌صدر و با نگاهی موشکافانه به مسـائل، دستاوردها و اقدامات در حال انجام در هر بخش، به بازدید از این نمایشگاه پرداختند؛ تا آنجایی که برخی پیگیری‌های تخصصی و نقطه‌نظرات اصلاحی ایشان، موجب شگفتی بخش خصوصی حاضر شده بود.

در نمایشـگاه توانمندی‌هـای تولیـدات داخل، شـرکت‌هایی در بخش‌های «انرژی»، «صنعت نفت و پتروشیمی»، «صنایع خودروسازی»، «معدن و صنایع معدنی و فلزی»، «ارتباطات و فناوری اطلاعات»، «صنایع غذایی و کشـاورزی»، «تجهیزات پزشـکی»، «صنایع دستی»، «حمل‌ونقل هوایی، دریایی، ریلی و زمینی»، «صنایع نساجی» و «مسـکن و لوازم خانگی» آخرین دستاوردها و تولیدات خود را به نمایش گذاشته بودند.

تحولی در جابه‌جایی مصالح معدنی با تولید ایرانی دامپتراک ۶۰ تنی

در بخشی از این نمایشگاه، دستاورد ایرانی ساخت دامپتراک ۶۰ تنی رونمایی شده بود، دستگاهی که از ابزارهای بسیار مهم برای جابه‌جایی مصالح و مواد اولیه معدنی در معادن کشور است و پیش از این، از کشورهایی چون ژاپن و چین با هزینه گزاف تأمین می‌شد. اکنون با عمق داخلی‌سازی ۵۰ درصدی، ۵ دستگاه ساخته شده در ایران در یکی از معادن کشور در حال کار است. خط تولید دامپتراک ۶۰ تنی از ابتدای سال ۱۴۰۲ راه‌اندازی شده و تولیدات بیشـتر با افزایش عمق داخلی‌سازی، هدف‌گذاری شده است. ساخت اولین شناور پشتیبان صیادی کاملاً ایرانی به دسـت مهندسـین داخلی با صرفه‌جویی ارزی ۲،۵ میلیون دلاری برای هر شناور از دیگر دستاوردهای به نمایش درآمده بود.

متخصصان ایرانی در حال کار روی باتری لیتیومی خودروی برقی

ورود ایـران بـه تولیـد باتـری لیتیومـی از دیگر اخبار خوش این نمایشـگاه است. از آنجایی که ۳۰ تـا ۶۰درصد قیمت خودروهـای برقی، مربوط به باتری آن به عنوان قلب خودرو اسـت، اگر در پروسـه برقی‌سازی حمل‌ونقل کشور، متخصصان ایرانی تولید باتری را داخلی‌سازی کنند، در کاهش هزینه‌های تأمین خودروی برقی برای مردم، بسیار اثرگذار خواهد بود.

عملیات سـاختمانی احداث کارخانه‌ای در منطقه پرند آغاز شده و برنامه‌ریزی شده با انتقال فناوری، سالانه ۱۰ تا ۱۲هزار مجموعه باطری در ایران تولید شود.

احداث نخستین کارخانه تولید بیواتانول سوختی در غرب ایران

برای نخستین‌بار، ایران به تولید بیواتانول سـوختی ورود کرده اسـت. بیواتانول سـوختی کـه از کنجاله تخمیـری خوراک دام، از ذرت و ضایعات غلات تأمین می‌شـود، می‌تواند جایگزین MTBE در اکتان‌افزایی بنزین باشد که این مسئله گامی مهم در افزایش کیفیت بنزین و کاهش آلایندگی خودروها است.

پیش‌بینی شـده کارخانه تولید بیواتانول سوختی در پایان بهار ۱۴۰۳ در کرمانشاه به بهره‌برداری برسد و طبق مذاکرات اولیه صورت‌گرفته با مجموعه وزارت نفت، قرار است ۵ درصد بنزین تولیدی کشور (معادل روزانه ۵ میلیون لیتر) با بیواتانول، اکتان‌افزایی شود.

ایجاد قطب جدید نساجی کشور با توانمندی مردم سیستان‌وبلوچستان

یکی از انتظارات مقام معظم رهبری از متخصصان توانمند ایرانی در عرصه صنعت نسـاجی، احیای بافت بلوچ بود که در بیانات معظم‌له حدود ۶ یا ۷ سال پیش، مورد طرح قرار گرفته بود. در این نمایشگاه، از دستاورد جدیدی رونمایی شد که مقام معظم رهبری در بازدید از غرفه مربوطه، به دست‌اندرکاران این طرح، آفرین گفتند.

با همت متخصصان ایرانی، در منطقه‌ایرانشهر استان سیستان‌وبلوچستان، بعد از بیش از ۵۰ سال عدم کشت پنبه در این منطقه، با رفع مشـکلات مربوطه از جمله آفت «کرم سرخ» ۶هزار هکتار توسط مردم این منطقه، زمین کشاورزی زیر کشت پنبه رفته است؛ پنبه‌ای که بـه صورت تضمینی از مردم خریداری می‌شـود و در کارخانه‌ای که در ایرانشهر احداث شده، به نخ و پارچه تبدیل می‌شود.

استقرار زنجیره ارزش از پنبه تا رنگرزی و تکمیل پارچه، رفع مشکلات کاشت و افت پنبه پس از ۵ دهه و آغاز فرآیند کشـت پنبه در ۶هزار هکتار، راه‌اندازی واحد پنبه پاک‌کنی، راه‌اندازی خط ریسندگی و تجهیز و راه‌اندازی خط بافندگی پارچه (با پیشـرفت فیزیکی ۵۰درصدی) از دستاوردهای این طرح است.

مقرر شـده، قطب جدید نسـاجی جنوب شرق کشور با مشـارکت بخش خصوصی با تولید سالانه ۱۸میلیـون مترمربع پارچـه و تکمیل خط چاپ با ظرفیت تولید سـالانه ۷،۴ میلیون متر پارچه ایجاد شود.

در این طرح، هم در کشت پنبه، اشتغال‌زایی برای مردم نجیب سیسـتان و بلوچستان به‌دنبال خواهد داشت و هم اشتغال در کارخانه به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم، ایجاد خواهد شد.

نگاه دقیق به ناترازی گاز در آمار پتروشیمی‌ها

از اقدامـات درحال انجام که مورد ارائه قرار گرفته بود، بحث تأمین برق شـهرک‌های صنعتی کشـور با هدف‌گـذاری ۱۱هـزار و ۴۶۷ مگاواتی اسـت. طبق اطلاعات ارائه‌شـده، شهرک‌ها و نواحی صنعتی کشور بالغ بر ۹هزار و ۵۱۳ مگاوات نسـبت به شرایط تأمین پایدار برق در زمان اوج مصرف، کسـری برق دارند که بـا احداث ظرفیت جدید تولید برق در نواحی صنعتی کشـور، به‌ازای هر مگاوات برق تأمین شـده، ۹۵ نفر اشتغال ایجاد خواهد شد.

سـهم ۳۳ درصدی صنعت پتروشیمی از صادرات غیرنفتی کشـور، وجود ظرفیـت ۲۷،۵میلیون تنی صادراتـی و تأمین ۱۳،۵میلیون تنـی نیاز داخلی در صنعت پتروشـیمی و اینکه این صنعت در ۱۰ سـال اخیر، به‌طور متوسط سالانه ۱۲میلیارد دلار برای کشور ارزآوری داشـته و به میزان ۵میلیارد دلار در سال نیاز داخلی را تأمین کرده، صنعت پتروشـیمی را به عنوان یکی از شاخصه‌های اقتصادی کشور به‌معرض نمایش گذاشته بود.

طبـق آمار ارائه‌شـده در غرفه پتروشـیمی این نمایشـگاه، ناتـرازی گازی کشـور در سـال جاری ۳۲۴میلیـون مترمکعب در روز بوده و در صورت ادامه روند فعلی و عدم سـرمایه‌گذاری، ناترازی گازی کشور در سـال ۱۴۱۲ حداقل به ۴۲۵میلیون مترمکعب در روز خواهد رسید.

صنعت پتروشـیمی کشـور که ظرفیت اسـمی ۹۶میلیـون تنی در سـال دارد، از نیـاز ۹۰میلیون مترمکعبی روزانه به گاز، هم‌اکنون کسری ۲۰میلیون مترمکعبی در فصل سرما دارد. قرار است ظرفیت اسمی صنعت پتروشـیمی در سـال ۱۴۱۲ به ۱۸۱میلیون تن برسـد که میزان گاز مورد نیاز صنعت پتروشیمی ۱۷۵میلیون مترمکعب در روز خواهد بود و پیش‌بینی می‌شـود از ناترازی ۴۲۵میلیـون مترمکعبی گاز در سـال ۱۴۱۲، ۱۰۰میلیون مترمکعب کسـری گاز به پتروشیمی‌ها تحمیل شود. از این‌رو در این نمایشگاه، هشـدار داده شد که در صورت عدم سرمایه‌گذاری در بخش گاز کشور، ۱۰ سال دیگر پتروشیمی‌های گازی کشور مجبور به توقف تولید می‌شوند.

ایـن مهم در جریان بازدید مقـام معظم رهبری، توسـط بخش خصوصی گزارش داده شد و معظم‌له، دسـتور بررسی موانع و عوامل تشـدیدکننده ناترازی گاز را به همراهان خود دادند. گویا یکی از مسائلی که موجب شـده، مقام معظم رهبری به دولت در زمینه تلاش و برنامه‌ریزی برای رفع ناترازی‌ها گوشـزد کند، همین مسئله بوده است.

آمادگی بخش خصوصی برای اصلاح روند مصرف آب و انرژی با شرط راه‌اندازی بازار آب و بازار انرژی

در بخـش دیگری از نمایشـگاه، بخش خصوصی آمادگی خود را برای سرمایه‌گذاری در بخش بهینه‌سازی مصرف انرژی در کشور اعلام کرده بود و با ارائه آمار و ارقام، تأکید کرده که می‌توان مصرف معادل ۶میلیون بشـکه نفت روزانه انرژی کشور را به نصف کاهش داد. طبق این پیشنهاد بخش خصوصی، می‌توان این طرح را بدون تحمیل بار مالی به دولت و مردم اجرا کرد که این طرح شامل تعویض کنتورهای فرسوده گاز و برق، تعویض بخاری‌های فرسوده و قدیمی، تعویض کولرهای آبـی و گازی پرمصرف و ارائه طرح‌های مشـوق‌محور نرم‌افزاری به مردم برای کاهش مصرف است.

در بخش دیگری از این نمایشگاه، بخش خصوصی صنعـت آب نیز آمادگی خود را برای همکاری با دولت بـرای کاهش مصـرف و اصلاح روند مصـرف آب در بخش‌های مختلف اعلام کرده و خواستار ورود به عرصه تأمین آب در راستای نقشه راه آب کشور شده بود.

در واقع بخش‌های خصوصی صنعت برق و صنعت آب، راهکار سـرمایه‌گذاری و بازگشـت سـرمایه در بهینه‌سـازی مصرف انرژی و آب را ایجاد بازار انرژی و بازار آب عنوان کرده بودند.

انتقاد رهبری از عدم تحقق اقتصاد دریامحور و کندی توسعه سواحل مکران

توسعه سواحل مکران در راستای اقتصاد دریامحور و اقدامات گسترده‌ای که می‌توان در این راستا به انجام رساند، یکی از مسائل مورد توجه در این نمایشگاه بود. اگرچه توسعه سـواحل مکران از نیمه دهه ۸۰ مطرح شـده و طی دهه ۹۰ با تصویب سـند راهبردی، این موضوع مهم وارد فاز اجرائی شـده، اما سرعت اجرائی شدن پروژه‌های تعریف‌شده به شدت پایین بوده و عملا تمامی طرح توسعه مکران، روی کاغذ باقی مانده است.

تـا امروز قریب به ۵۰هزار میلیارد تومان در ایجاد زیرسـاخت‌های مکران هزینه شـده، اما برای تکمیل زیرساخت‌ها نیاز به ۹میلیارد دلار سرمایه‌گذاری طی ۵ سال آتی است. به گفته مسئولان حاضر در نمایشگاه، یکی از انتقادات مقام معظم رهبری در بازدید از نمایشگاه دستاوردهای داخلی، عدم تحقق توسعه دریامحور به‌ویژه کندی توسعه سواحل مکران بود.

تبدیل فاضلاب به آب قابل شرب با دانش متخصصان داخلی

یکی از دستگاه‌های قابل‌توجه ارائه‌شده توسط بخش خصوصی در نمایشگاه، سیستم تصفیه فاضلاب به روش بیوراکتور غشـایی بود که آب بی‌کیفیت و حاوی لجن را به آبی قابل شرب تبدیل می‌کرد. این دستگاه مجهز به حفره‌هایی با قطـر ۰،۰۴میکرون بوده که به گفته سازندگان آن، عدم امکان عبور هر نوع باکتری و عوامل بیماری‌زا را به آب تصفیه‌شده می‌دهد. حذف کامل رنگ، بو و طعم از فاضلاب و بالاترین کیفیت خروجی پساب در میان روش‌های مختلف تصفیه فاضلاب، از ویژگی‌های این دسـتگاه بود که عمق داخلی‌سازی آن تا امروز به ۷۵درصد رسـیده و برنامه‌ریزی‌ها بر این منوال است که با تولید داخلی غشـاهای آن، تا ۶ سال آینده عمق داخلی‌سازی این دستگاه به ۱۰۰درصد برسد.

ورود متخصصان داخلی به ساخت قطعات هواپیما

یکی از چالش‌های شناسایی‌شده در زمینه صنعت هوایی، نیاز به قطعات دارای فناوری بالا در مورد هواپیما بوده که ورود ایران به احداث کارخانه‌های تولید قطعات اصلی مورد نیاز (پره کمپرسـور، محفظه احتراق و پره توربین موتور) یکی از خبرهای خوب این نمایشگاه بود.

قرار است با سرمایه‌گذاری ۳۵میلیون یورویی و با دانش فنی و مهندسی متخصصان داخلی، نیاز به قطعات استراتژیک ۳۴۴ موتور هواپیمای فعال در ناوگان هوائی کشور با هزینه یک‌سوم نمونه خارجی رفع شود.

تحقق اقتصاد تعاونی‌محور و مردمی با همت «یزدی‌ها»

گروهی از نخبگان استان یزد با شکل‌گیری گروهی تعاونی محور، ۳۵ شـرکت تعاونـی را در بخش‌های مختلف فناوری اطلاعات، لجستیک کالا، تولید قطعات الکترونیـک و کاغذ، تولید کشـاورزی و فرآورده‌های غذایی، انرژی، بیمه‌ای و استارت‌آپی ساماندهی کرده‌اند که فعالیت این گروه‌های تعاونی در مسیر تحقق اقتصاد مردم‌محور، مورد رضایت مقام معظم رهبری قرار گرفته و ایشـان خواستار توسـعه فعالیت‌های اینچنینی در بخش‌های مختلف اقتصادی شده‌اند.

بازخورد بازدید رهبر انقلاب در حضور رئیس‌جمهوری

جمع‌بندی گفته‌های غرفـه‌داران و ارائه‌دهندگان دسـتاوردها نشـان می‌دهد، علاوه‌بر نقطه‌نظراتی که رهبر معظم انقلاب به صورت مسـتقیم در گفت‌وگو با حاضران در این نمایشـگاه بیان نمودند و پیگیری‌های تخصصی ایشان از مسائل مختلف، حضور رئیس‌جمهوری و بازدید وی و دستوراتی که بعد از دیدار معظم‌له، توسط رئیس‌جمهور برای تسهیل در فعالیت بخش خصوصی و رفع موانع صورت گرفت، ریشـه در بیانات و تذکرات رهبری دارد.

برای نخسـتین‌بار، ایران به تولید بیواتانول سوختی ورود کرده است. بیواتانول سوختی که از کنجاله تخمیری خوراک دام، از ذرت و ضایعات غلات تأمین می‌شـود، می‌تواند جایگزیـن MTBE در اکتان‌افزایی بنزین باشد که این مسـئله گامی مهم در افزایش کیفیت بنزین و کاهش آلایندگی خودروها است.

با همـت متخصصـان ایرانـی، در منطقه ایرانشـهر اسـتان سیستان‌وبلوچستان، بعد از بیش از ۵۰ سال عدم کشت پنبه در این منطقه، با رفع مشـکلات مربوطه از جمله آفت «کرم سرخ» ۶ هزار هکتار توسط مردم این منطقه، زمین کشاورزی زیر کشت پنبه رفته اسـت؛ پنبه‌ای که به صورت تضمینی از مردم خریداری می‌شود و در کارخانه‌ای که در ایرانشهر احداث شده، به نخ و پارچه تبدیل می‌شود.

از اقدامات درحال انجام که مورد ارائه قرار گرفته بود، بحث تأمین برق شهرک‌های صنعتی کشور با هدف‌گذاری ۱۱ هزار و ۴۶۷ مگاواتی است. طبق اطلاعات ارائه شده، شهرک‌ها و نواحی صنعتی کشور بالغ بر ۹ هزار و ۵۱۳ مگاوات نسبت به شرایط تأمین پایدار برق در زمان اوج مصرف کسری برق دارند که با احداث ظرفیت جدید تولید برق در نواحی صنعتی کشور، به‌ازای هر مگاوات برق تأمین شده، ۹۵ نفر اشتغال ایجاد خواهد شد.